

خبرها

کنسرت کیوان ساکت در شهرهای مختلف

خبرگزاری میراث فرهنگی : تور کنسرت کیوان ساکت بعد از مسابقات جام جهانی فوتبال در ده شهر ایران برگزار می‌شود. کیوان ساکت نوازندهٔ تار و سه‌تار مرداده‌ه تور کنسرتی در شهرهای مشهد، کرمانشاه، همدان، اراک، شیراز، اصفهان، رشت، تنکابن و... برگزار می‌کند. در این کنسرت‌ها گروه ساکت با تار، پیانو و تبتک به اجرای قطعات موسیقی ایرانی می‌پردازند. کیوان ساکت به همراه پسرش کیارش به نوازندگی تار، بهنام ابوالقاسم و مازیار حیدری به نوازندگی پیانو و احمد مستنبت به تنبک‌نوازی می‌پردازند. او همچنین به‌زودی کتابی با عنوان «اسبکبال» منتشر می‌کند که قطعاتی برای ساز پیانو و تار است. این هنرمند همچنین در تدارک برنامه‌هایی در خارج از ایران است.

بزگداشت فرامرز پایور برگزار می‌شود

بزرگداشت فرامرز پایور در فرهنگسرای هنر برگزار می‌شود. سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران اواخر خردادماه بزرگداشتی برای استاد فرامرز پایور آهنگساز و نوازنده ستور برگزار می‌کند. پایور به دلیل کهولت سن و بیماری در این بزرگداشت شرکت نمی‌کند، اما پیام این هنرمند و فیلمی از او که برای همین بزرگداشت تهیه شده ارائه می‌شود. استاد فرامرز پایور در سال ۱۳۱۱ در تهران متولد شد. پدرش استادزبان فرانسه و علاقه‌مند به نقاشی بود و تابلوهای زیادی از او به یادگار مانده است. پدر بزرگش مصورالدوله، نقاش مخصوص دربار قاجار بود و آثارش در کاخ‌های گلستان و صاحب‌قزاقیه نگهداری می‌شود. پایور در هفده‌سالگی آمونخن موسیقی را در مکتب استاد صبا آغاز کرد و در مدت شش سال ریف موزیکی را فراگرفت. پیشرفت او در این زمینه چنان بود که توانست بارها در کنار استاد خود به روی صحنه رود و آثاری را در رادیو ضبط کند. تحصیلات ابتدایی و متوسطه او در دبستان عسجدی و دبیرستان دارالفنون تهران به پایان رسید و در سال ۱۳۳۱ وارد خدمت نظام شد و یک سال بعد به استخدام وزارت فرهنگ درآمد. بعد از گذشتن صبا در سال ۱۳۳۶، پایور به آموخته‌های خود قناعت نکرد و نزد استادانی چون عبدالله دوامی، موسی معروفی و نورعلی خان برومند به فراگیری ردیف درویش خان، میرزاعبدالله پرداخت و دانش موسیقی ایرانی را به خط نت درآورد و این گنجینه گرانبار را از خطر تحریف، فراموشی و نابودی حفظ کرد. از مهمترین آثار او ردیف آوازی موسیقی ایرانی به روایت استاد عبدالله دوامی، مجموعه تصنیف‌های قدیمی از ساخته‌های عارف، شیدا، سماع حضور، مجموعه آثار درویش‌خان و رکن‌الدین مختاری بوده‌است. فعالیت اصلی او از سال ۱۳۳۴ در اداره کل هنرهای زیبا آغاز شده و همزمان با تدریس در هنرستان موسیقی ملی برنامه‌هایی را نیز برای کنکرازی و همناوژی ارائه کرد. با تأسیس تالار رودکی (سال ۱۳۴۶)، بر فعالیت‌های اجرایی او افزوده شد و بسیاری از آثار استادان گذشته را با ذوق و سلیقه خاص خود تنظیم و همراه با خوانندگان معروف آن زمان در این تالار اجرا کرد. درک عالی او از رمزها و نکته‌های دقیق موسیقی ایرانی، استعداد کم‌نظیرش در شناختن گوشه‌های ردیف و تکنیک ممتازش در نوازندگی ستور سبب شده است تا او را تراز نخست برجسته در این زمینه بشناسند.

انتشار تازه‌ترین اثر حسن کسایی



مهر : آلبوم موسیقی «نی و عود» با نوازندگی حسن کسایی نوازنده نی و شهرام میرجلالی نوازنده عود منتشر می‌شود. «نی و عود» در قالب دو آلبوم با نی نوازی «حسن کسایی» و عود «شهرام میرجلالی» در دستگاه‌های مختلف موسیقی ایرانی تا چند روز دیگر روانه بازار موسیقی می‌شود. شهرام میرجلالی نوازنده تار و عود با اعلام این خبر افزود: «نی و عود» مثل بسیاری از همناوژی‌های موسیقی ردیفی مدنظر من بزرگان موسیقی ایرانی بر پایه یادهاهنوازی شکل گرفته‌است. او گفت: این آلبوم به خاطر همنشینی سازهایی مثل نی و عود از فضایی متفاوت و حاشی دوگانه برخوردار است. همناوژی این دوزاس غم و شادی توانمان را به وجود می‌آورد که در کنار ریمه‌های ترکیبی می‌تواند در آفرینش حسی خاص در مخاطب تأثیرگذار باشد. در این اثر جهانگیر بهشتی و شاهین شیخ‌نهایی به عنوان نوازندگان تبتک مشارکت دارند.

کامکارها در آلمان کنسرت برگزار می‌کنند

ایلنا: هوشنگ کامکار آهنگساز از برگزاری کنسرت موسیقی کردی توسط گروه کامکارها در کشور آلمان خبر داد. مدیر هنری گروه کامکارها گفت: در این کنسرت قطعاتی از سازنده‌های که به تازگی در قالب CD در خارج از کشور منتشر شده‌است، اجرا خواهد شد. «امشو» (امشب) و «اوراد» عناوین آثاری هستند که اولی دو روز گذشته در کشور سوئد و دومی هفت ماه پیش در کردستان عراق منتشرشده است. همچنین اثر دیگری از این آهنگساز به نام «سه رو کی دل» (سرور دل) تا ماه آینده در خارج از ایران منتشر خواهد شد که به گفته کامکار از قطعات آن در کنسرت آلمان استفاده می‌شود. او درباره این که چرا این آثار در خارج از ایران منتشر می‌شوند اظهار داشت: به‌خاطر این که در اینجا به آثار جدی به‌نامی دهند و به دنبال کارهای به اصطلاح لاله‌زاری هستند. هوشنگ کامکار که به جز تدریس و آهنگسازی، در حوزه ترجمه آثار موسیقایی نیز فعال است، ترجمه کتابی از «والتر پیتسن» با عنوان «تئوبرتو تال» را به پایان برده و به‌زودی آن را به ناشر می‌سپرد.

نامه عبدالحسین مختاباد به رئیس جمهوری

مشکلات مدیریت موسیقی کشور را حل کنید

عبدالحسین مختاباد در نامه‌ای سرگشاده به محمود احمدی‌نژاد رئیس جمهوری از معضلات موسیقی کشور گفته و خواستار چاره‌اندیشی و رفع آنها شده است. متن این نامه را می‌خوانید:

به‌نام خداوند جان و خرد
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران
جناب آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد
با سلام و آرزوی توفیق برای آن مقام محترم، در خدمت همه‌جانبه به ایران عزیز و همیشه سربلند.
پیرو دستور جناب‌عالی «از جایگاه ریاست شورای عالی انقلاب فرهنگی» به نهادهای فرهنگی هنری (رادیو و تلویزیون و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) مبنی بر توجه بیشتر به «موسیقی فاخر» اشاره به موارد چندی را جهت مزید اطلاع آن مقام محترم خالی از قایده ندیدم. در طول بیش از دو دهه مدیران و عاملان فرهنگی و سیاسی امان و اشراف کافی و وافی بر نقصان‌ها و کمبودهای جامعه فرهنگی و هنری داشته و دارند، اما اینجانب برحسب وظیفه و به‌عنوان عضو کوچکی از جامعه موسیقیدانان ایران عزیز بیان دوباره آنها را بی‌ضرر نمی‌نیمیم که به قول حاجه شیراز:

خواهش وظیفه تو دعا کردن است و بس

در بند آن مباحث که نشنید، با شنید

مزید بر آن، از آنجا که برنامه‌های دولت محترم جناب‌عالی از سال جاری در ایجاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و هنری جامعه عمل به خود خواهد پوشانده لذا پیشنهادات ذیل را جهت ساماندهی بخش موسیقی ملی کشور که بخشی از وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است را به محضر شما ارائه می‌کنم.

جناب آقای رئیس جمهور! موسیقی ناب و ملی و یا سنتی ایران تاریخ پر زنج و محنتی را پشت سر گذاشته است. تاریخی که هنوز دست‌ور جای پیدا و نهان فراوانی پیکر نحیف آن را می‌سوزاند. حداقل با نگاهی گذرا به تاریخ یکصدساله موسیقی ایران یک امر ساده و آشکار قابل لمس است و آن نبود منزلت و جایگاه جامع و مطمئن برای این هنر و هنرمندان در جامعه ایران بوده و هست، به نحوی که این هنر شریف و آسمانی و هنرمندانش، همواره چون گویی، بین دولتیان و مردم سرگردان و پریشان بوده‌اند.

در قبل از انقلاب، حکومت‌ها با نگاهی تفرج‌مایانه سعی در حمایت موضعی از موسیقی ملی را داشتند، حال آنکه‌بدنه جامعه به سبب معذورات مذهبی از پذیرش موسیقی سر باز می‌زد. با حاکمیت جمهوری اسلامی و مطابق فتوای تاریخی حضرت امام(ره) در مورد حلیت موسیقی، جایگاه و اعتبار موسیقی و موسیقیدان در جامعه و نزد احاد مردم اعتبار و منزلتی یافت اما دولتیان و مدیران فرهنگی را این بار سر آشتی جانی با موسیقی نینفداد و همانی شده که امروزه بعد از نزدیک سه دهه شاهدش به موقعیت به‌واقع اسفبار در وضعیت موسیقی ایرانی هستیم. البته بررسی همه‌جانبه این مطلب نیاز به قلم فرسایی جدی دارد که در حوصله این قلم نیست، لذا سخن کوتاه نموده با نگاهی نسبتاً کمی، ابتدائاً معضلات و نیز چالش‌های موجود در فضای موسیقی فاخر و باطنی رهاکارهای مختلف تلویزیونی برگزار معضلات به محضر آن مقام محترم تقدیم می‌دارم.

جناب آقای رئیس جمهور!

موسیقی ایرانی از دو معضل سخت‌افزاری و نرم‌افزاری رنج می‌برد.

معضلات سخت‌افزاری
الف- کمبود و یا به‌زبانی دقیق‌تر نبودن سالن موسیقی؛ یکی از مهترین و زیربنایی‌ترین عنصر تبلیغ موسیقی، ارائه کنسرت‌های زنده است، به نحوی که امروزه، با وجود شبکه‌های متعدد تلویزیونی، رادیویی و اینترنتی نه‌تنها از اهمیت و ارج کنسرت زنده موسیقی کاسته نشده است، بلکه این ابزارها اجرایی کنسرت زنده را به‌عنوان یکی از منابع غنی خود به حساب می‌آورند که از آن می‌توانند به‌نحو احسن تغذیه کنند، این مطلب خصوصاً در مورد موسیقی هنری فاخر از اعتبار و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، به نحوی که امروزه موسیقی کلاسیک غربی تنها به‌تنها با کنسرت در سالن‌های معتبر و برجسته برقرار و استوار است و شبکه‌های تلویزیونی با ارتباط مستقیم (پخش زنده) و یا برنامه‌های ویژه مبادرت به پخش و تبلیغ آثار از رنشدمن موسیقی کلاسیک می‌کنند. اما وضعیت اجرای کنسرت در ایران به مراتب اسفناک‌تر از آن چیزی است که بتوان بر زبان آورد، موسیقی و هنرهای سال‌های استاندارد موسیقی در ایران به اندازه‌ای کم است که حتی به انگشتان یک‌دست هم نمی‌رسند. در تهران یک سالن موسیقی به نام تالار وحدت با ظرفیت ۷۰۰ نفر وجود دارد که این سالن هم تماماً در خدمت اهل موسیقی نیست بلکه در آن انواع برنامه‌ها از سمینار و تئاتر و برنامه‌های مختلف تلویزیونی برگزار می‌شود. با همین مثال مختصر می‌توانید در یابید که اولین ابزار وجود موسیقی هنری، یعنی سالن موسیقی، به‌واقع وجود ندارد.

اگر بخواهیم پایین‌ترین استانداردهای موجود در شهرهای جهان را در نظر بگیریم، شهری مانند تهران به سه تا پنج سالن بالای ۲۰۰۰ نفره برای کنسرت موسیقی نیازمند است که متأسفانه به‌رغم وعده و وعیدهای فراوان مدیران اجرایی در سال‌های اخیر هنوز و این مهم اتفاق نیفتاده است و جامعه موسیقی نیز آمیدی به رخ دادن چنین اتفاقی ندارد. معضل اجرای زنده موسیقی در ایران تنها به‌نیود سالن ختم نمی‌شود چه که «خمار آلوده را بجایم سازد». بسیاری از هنرمندان و موسیقیدانان ایرانی راضی به اجرای کنسرت موسیقی در پارک‌ها، استادیوم‌های ورزشی و یا اماکن فرهنگی دیگرند، اما معضل مجوز از ارشاد خان‌دیگری است که این پهلوان زخمی باید پیماید، «در این سال‌ها وزارت ارشاد به راحتی مجوز اجرای کنسرت را صادر می‌کند اما... این مجوز به‌همان همان کاغذ عادی است که شخصی بر روی آن بنویسد، ۱۰۰ میلیون تومان و تازه انتظار داشته باشد که بانک این ورقه را نقد کند». وزارت ارشاد از این گونه رفتارها و ارائه مجوز به موسیقیدان، تنها می‌خواهد بازی را از دوش خود بردارد، بدون آنکه به وظایف دیگرش که حمایت از اهل موسیقی است، عمل کند. آنها معضل را از سر خود باز می‌کنند، و بعد از آن، این

روامدار خدایا که در حریم وصال/رقیب مردم و حرمان نصیب من باشد.

پیشنهاد

۱- برای تعالی بخشیدن موسیقی ملی باید بوجه موسیقی چند برابر بوجه فعلی شود. اگر دولت برای افزایش بوجه

موسیقی و تجسمی



موسیقی کشور مشکلی دارد، باید با تشویق بخش خصوصی به‌طور مثال با قرار دادن بخشودگی مالیاتی برای شرکت‌هایی که به موسیقی کمک می‌کنند، بخشی از بار را از دوش خود بردارد. برای مثال در کشورهای غربی اتفاق می‌افتد. برای مثال در کشورهای غربی شرکت‌های بزرگ همانند کوکاکولا، پپسی، نایک و... با برگزاری فستیوال‌های موسیقی و یا تولید آثار موسیقی از بخشودگی مالیاتی سود می‌جویند، که این کار هم به هنر و هنرمند کلاسیک و ملی آن کشور نفع و سود می‌رساند و هم بار مالی دولت را کاهش می‌دهد.

یا می‌توان با درگیر کردن شهرداری برای کمک‌های سخت‌افزاری، ساخت سالن، خرید ساز برای ارکستر سمفونیک و فیلامونیک و... به موسیقی و اهل موسیقی مدد رساند. این طرح‌ها، در بعد بین‌المللی امتحان خود را به‌خوبی پس داده‌اند. به‌طور مثال در اروپا اکثر سالن‌های مطرح موسیقی تحت نظارت شهرداری‌ها است. با توجه به فقر شدید مالی ارکستر سمفونیک و ملی ایران پیشنهاد عاجل اینجانب اختصاص بوجه مناسب به این دو ارکستر است تا مواردی چون شوکوتیه سوگناک آقای علی‌رهبری (رهبر پیشین ارکستر سمفونیک تهران) پیش نیاید که اندک آبروی باقیمانده از موسیقی سمفونیک ایران را در آن سوزی آب‌ها از بین برد.

۲- ارتقای سازمانی و اداری موسیقی کشور در وزارت ارشاد و تلویزیون! «با صرف‌نظر و نیز جلیوگیری از رشد بافت بوروکراتی» از جمله مسائلی است که می‌تواند سطح توجه به این هنر را در این مراکز بالا برده و از سویی موجبات افزایش بوجه این هنر را نیز فراهم آورد.

مشکلات و معضلات نرم‌افزاری

الف- مدیریت هنری

جناب آقای رئیس جمهور! شاید جناب‌عالی نیز با اینجانب هم‌رای باشید که یکی از عمیق‌ترین چالش‌ها و نیز مشکلات جامعه ما بحث مدیریت هنری و فرهنگی است. بدرغم همه ادعاها و نیز سخنرانی‌ها و فریادها بر سر کوی و برزن که انقلاب ما فرهنگی است، اما همواره کمترین امکانات و ضعیف‌ترین اشخاص هدایت سکان فرهنگ و هنر این جامعه را به عهده گرفته‌اند. اگر اندک مدیران شاخصی هم وجود داشته‌اند، به سبب کل لای عمیق مناسبات اداری و نیز عدم حمایت جدی، رخت خویش از این عرصه بی‌رون کشیدند. اگر بخواهیم به زبان علمی‌تر سخن بگویم، در حال حاضر هیچ الگو و سببسی برای انتخاب مدیریت هنری در جامعه ما وجود نداشته و ندارد، به‌طور مثال در حالی که برای انتخاب اداره یک کارگاه کوچک صنعتی اعم از دولتی و خصوصی تلاش می‌شود تا شخصی که اطلاع نسبتاًجامعی نسبت به این مقوله از صنعت دارد را برگزیند، در بخش فرهنگ و هنر ناگهان اشخاصی اداره سکان فرهنگ و هنر این جامعه را به عهده می‌گیرند که حتی از خواندن یک غزل از زوی کتاب‌حافظ عاجز و درمانده‌اند و اگر شما ساعتی چند با آنها بنشینید، هیچ پشتوانه فرهنگی و هنری را نمی‌توانید در آنها ببینید که قابل تامل و تدبر باشد. به نظر اینجانب ضعف‌ها و کاستی‌های ذیل از جمله اصلی‌ترین شاخصه‌های مدیریت فرهنگی و هنری حال حاضر در ایران بوده و هست.

۱- **مدیریت محافظه کار و وسعت بالااست‌گر**

اولین عنصری که به‌عیان می‌توان در مدیریت هنری (خصوصاً موسیقایی) ایران دید، شاخصه‌ای است به نام *محافظه‌کاری*. مدیریت محافظه‌کار به راحتی مصالح و منافع فرهنگ و هنر جامعه را قربانی مصالح و منافع شخصی (مانند و جسدیلند بر مین می‌کند. این مدیریت محافظه‌کار حتی بعضاً کاسه داغ‌تر آتش می‌شود. به‌طور مثال به دلیل دیدگاه‌های متفاوتی که علما و روحانیان و یا برخی اشخاص نسبت به موسیقی دارند، بعضاً اجرای موسیقی در محل و موقعیتی دچار مشکل می‌شود. در چنین وضعیتی این مدیر هنری محافظه‌کار به‌جای یافتن راه‌حل مناسب برای اجرای برنامه هنری با دستاویز قرار دادن انواع لطافیل‌الحیل و یا هزاران اما و اگر و بعضاً بی‌شدن از دیدگان مراجعین، زمان را می‌کشد تا کنسرت را از حیز انتفاع ساقط کند. دلیل رفتارهای اینچینی و این گونه این مدیر محافظه‌کار این است که فکر می‌کند شاید فلان ارگان و یا شخص موجود در فلان مقام اجرایی با اجرای موسیقی مخالف است، یعنی این مدیر هنری به‌جای زحمت‌دادن به‌روزرزینی کردن برای ایجاد فضای مناسب، عملاً یک راه‌حل ساده که همان آشنایی با برنامه است را برمی‌گزیند تا نشان دهد که مدیر اهل موسیقی نیست بلکه مدیری است که با کمترین فشاری، فرهنگ و هنر و موسیقی را قربانی منافع سیاسی و شخصی می‌کند.

۲- **نبود نااشتن فرهنگ و هنر**

دیگر معضلات مدیریت فرهنگی و هنری در وضعیت کنونی عدم اعتقادشان به مقوله تحت نظارت خود است. بارها اتفاق افتاده که اینجانب شاهد اظهارات تاسف‌بار مدیران فرهنگی بوده‌ام که زبان بی‌زبانی اظهار می‌کنند «که این هم قسمت ما بود که رئیس اهل طرب و... باشینم». «جناب رئیس جمهور همه می‌دانند و نیز چشم‌تیز هنرمندان شاهد است که این گونه مدیران برای نشستن بر روی این میز چه دعاها و ثناها و رازینی‌ها که انجام نداده‌اند. اگر بخواهیم دقیق‌تر به رفتار این گونه مدیران فرصت‌طلب و بی‌اعتقاد به هنر و هنرمند نظر افکیند باید ریشه‌های این گونه رفتارهای مذمذبانانه را در جایی دیگر جست‌وجو کرد. فقدان آگاهی و غنای فکری مدیریت فرهنگی در جامعه از سویی و نیز نبودن پایگاه مناسب برای اهالی فرهنگ و هنر و نهادهای نظارتی در عرصه‌های مدنی، مدیر فرهنگی را به این نتیجه می‌رساند که این محل نه جایگاه همیشگی او است.

۳- **پایگاه و خاستگاه مدیریت فرهنگی و هنری**

آقای رئیس‌جمهور! پایگاه مدیریت فرهنگی و هنری جامعه یک پایگاه صدردصد سیاسی است و این نکته در هنرمندان در این دوران و دوره‌های قبل به تجربه دریافتند که جامعه فرهنگی و هنری و نخبگان فرهنگ و هنر این جامعه کوچکترین نقشی در انتخاب مدیران خود ندارند. آیا تا به حال اتفاق افتاده است که مثلاً وزیر ارشاد جهت انتخاب معاونان و یا مدیران کل ارشاد خواهان نظر نخبگان فرهنگی و هنری باشد؟ شما می‌دانید که نبود و نیست و اگر هم بود باید با ذره‌بین به‌دنبال آن گشت!

در چنین وضعیتی است که مدیر فرهنگی و هنری، میز و قدرت خود را نه وامدار فرهیختگان و فرهنگیان که سیاستمداران می‌ماند. لذا این مدیر فرهنگی به دلیل آنکه از سوی مدیر بالااست احساس خطر می‌کند و نه نخبگان و جامعه هنری با اندک قیض و بسطی از سوی آنها منافع فرهنگی و هنری را چنین وضعیتی است که مدیر فرهنگی

«مانند بر قدرت و مین» را به ثمن بخش می‌فرشد.

۳- **نفوذ و سلطه دیدگاه جریانات غیررسمی فرهنگی و هنری**
سیطره و چریش دیدگاه‌های برخی از شخصیت‌ها و ارگان‌ها در امور هنری و فرهنگی از جمله عوامل اصلی پی افادگی هنر موسیقی و جریانات فرهنگی و هنری در ایران در بعد از انقلاب اسلامی است. شما می‌دانید که جریانات و تفکراتی هستند که به نحوی از انحا با موسیقی مشکل دارند، اینجانب ضمن احترام عمیق به دیدگاه‌های فقهی متفاوت و حتی متضاد با موسیقی، یک مطلب را باید به عرض جناب‌عالی برسانیم. شما نیز می‌دانید که در همه زمینه‌ها اداره جامعه اعم از سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تفاوت و حتی تضاد عقیده و نظر وجود دارد که این عامل به نوبه خود می‌تواند به رشد و تعاطی آرا و افکار منجر شود، اما دولت به‌عنوان یک مجموعه منسجم که بر اساس قوانین مدون و حساب شده شکل گرفته است، ضمن احترام به این دیدگاه‌ها موظف است قوانین و شرح وظایف محوله در قوانین موضوعه کشور را اجرا کند. و البته در این راستا باید جسارت، قدرت و حتی اجازه تصرف داشته باشد.

جناب رئیس جمهور! قوانین مندرج بر وظایف وزارت ارشاد و نیز تلویزیون جمهوری اسلامی ایران، آنها را موظف به حمایت از موسیقی فاخر و سالم کرده است. مخالفت شخصی و یا فقهی تفکری در گوشه‌ای از یک شهر و استان و یا مملکت با موسیقی (به‌رغم تمامی احترامی که برای صاحبان آنها قائلیم) نباید مانع وظایف اجرایی آن گردد.

جناب‌عالی نیک می‌دانید که قوانین مندرج بر وظایف وزارت ارشاد و سایر ارگان‌های فرهنگی و هنری بر اساس تایید و نظر فقها و اندیشمندان سیاسی در ایران شکل گرفته است و لذا حراست و حمایت از این قوانین و پاسفاری بر اجرای آن به عهده دولت حاکم بوده و نظارت شخصی و گروهی نباید مانع اجرای آنها شود. اگر قوانین مدون شده جامعه بر اساس حمایت از موسیقی شکل گرفته باید این قوانین اجراشود و اگر این گونه نیست صاحبلی آید و با کمال شجاعت تعطیلی آن را اعلام نماید وگرنه با این وضع برزخ هیچ‌گونه آینده روشنی برای موسیقی ملی ایران نمی‌توان متصور بود.

پیشنهاد

در انتخاب مدیران فرهنگی و هنری باید دقت و نیز وسواس بیشتری را به خرج داد، باید این افراد در کنار برجستگی‌های مدیریتی و نیز سایر عوامل «محوظه» برای انتخاب یک مدیر، از وجوهات و شأن و پاسفاری نیز برخوردار بوده و به گونه‌ای باشند که با تایید و نظر فرهیختگان و هنرمندان گزینش گردند و جامعه فرهنگی و نیز هنرمندان جامعه او را عضوی از خود به حساب آورند، نه یک وصله ناجور و تحمیلی، و گذشته از این نه بر مبنای مصالح نظرات اشخاصی اداره سکان فرهنگ و شجاعت دفاع از حرمت هنر و هنرمند را داشته و راه‌های نااهموار و صعب‌العبور توسعه فرهنگی و هنری را با شجاعت پیمایید. اینکه در شهری و یا استانی به‌واسطه مخالفت شخص و یا گروهی با موسیقی هنرستان‌ها و آموزشگاه‌های موسیقی رو به تعطیلی می‌ورود و کنسرتی بدون لای اجرا نمی‌شود و یا در موعد مقرر لغو می‌گردد، مدیر ارشاد و مسئول آن مرکز باید پاسخگو باشند و در صورت نداشتن توجیهی منطقی و قانونی بدون دقیقه‌ای درنگ باید کنار گذاشته شوند.

نتیجه

ای دل را عشرت امروز به فردا فک/نی مایه نقد بقا را که ضمان

خواهد شد

آقای رئیس‌جمهور همه بر این امر اواقیم که زمان به سرعت در گذر است و کس تواناست دستی به کام‌دل سپهر دغاستاند. پس غنیمت مشیرن زمان اصل اول مدیریت است. بدون هرگونه بزرگ‌کنی و یا غلوگویی باید به عرض جناب‌عالی رسانده که موسیقی فاخر در ایران در وضعیت و موقعیت بسیار اسفناکی قرار گرفته است و معضلات ذکر شده هر روز بر وزن و سنگینی خود می‌افزاید و می‌رود که اندک رمق باقی مانده در هنرمندان و موسیقی فاخر این سر و بر بوم را بستاند. این درحالی است که موسیقی‌های آن سوبی باید بدون هیچ گونه ممیزی و فشار و یا امر و نهی هر روز فریه‌تر شده و به صورت ویروسی در اقصی نقاط ایران منتشر می‌شود و تأثیرات مخرب خود را بر روی نسل جوان و حتی میانسال این جامعه بیشتر و بیشتر برچای می‌نهد. در چنین اوضاع غریبی، موسیقی و موسیقیدانان با فشارها و نظاره‌گر چنین همجه‌ای است و بی‌پناه و مستاصل خون می‌خورد و خاموش می‌نشیند. مسئولیت این همه سوءمدیریت‌ها، جفاها و ناملایمت‌ها کیست؟ و تاکی باید ادامه داشته باشد؟ و سؤال جدی اینکه سیاست یک پام و دو هوای دولت درباره موسیقی تا کی قرار است استمرار داشته باشد؟ این سیاست‌ها و فشارها تا حال حاضر به نفع موسیقی مبتذل تمام شده و تراشه‌های آن حتی به موسیقی مذهبی و مداحی هم خورده است و فغان مسئولان بالای مالکیتی رانیز برآورده است. تلاش اینجانب به عنوان یک عضو کوچک از جامعه موسیقیدان تنها و تنها نمایاندن گوشه‌ای از معضلات مدیریت موسیقی در جامعه بوده و قطعا موارد عمیق‌تر و جدی‌تری وجود دارد که از چشم تیزبین هنرمندان و صاحبان فضل پنهان نیست و امید دارم نامه اینجانب به جناب‌عالی فتح بابی باشد که از بزرگواران برای شنود شما و مدیران و عاملان فرهنگی جامعه چکامه‌ای نو نرویند.

در پایان امید آن دارم که جناب‌عالی در مقام ریاست جمهور و نیز ریاست محترم شورای عالی انقلاب فرهنگی، با نگاهی کمی و کیفی آینده‌ای خوش را برای موسیقی فاخر این مرز و بوم رقم زنید.

والله المستعان

سیدعبدالحسین مختاباد

گزارش

هوای تازه

به مناسبت برگزاری کنسرت گروه کر نوری

داده‌دهمهر

پس از گذشت حدود ۴ سال از تشکیل گروه کر نوری که در آذرماه ۱۳۸۰ با گردمایی تعدادی از هنرجویان محمد نوری و علیرضا شفقنی نژاد کار خود را آغاز کرده است روزهای پایانی اردیبهشت‌ماه تالار رودکی تهران شاهد برگزاری کنسرت این گروه به رهبری علیرضا شفقنی نژاد و همراهی پیانوی اولین آوانسبان بود که در کنار اجرای آثاری از موتسارت به اجرای قطعات محلی نیز پرداخت که همچون کنسرت‌های پیشین این گروه با استقبال قابل توجهی روبرو شد.

این گروه همانند بسیاری از گروه‌های موسیقی در کشور بدون حمایت هیچ‌یک از نهادهای دولتی و حتی پشتیبان مالی با علاقه و پشتکار فراوان پس از گذشت ۴ سال اعضای خود را به بیش از ۹۰ نفر رسانده است.

می‌توان به فستیوال موتسارت در آذرماه ۸۴ به رهبری لوریس چکنارواریان و علیرضا شفقنی نژاد اشاره کرد که ۱۰ شب را برای دوستداران موسیقی کلاسیک در ایران رقم زد.

قابل تکیه توجه در این کنسرت اجرای قطعات محلی از آثار بزرگانی چون باغچه‌بان، گرگ‌بوران، آقاجانیان و... بود که با تنظیم بسیار قوی و قابل ستایش رهبر گروه در کنار مس تاجگذاری و مس گنجشک‌ها از موتسارت خودنمایی می‌کرد.

در این برعه از زمان که هجوم موسیقی‌های غیراصولی به اصطلاح پاپ از رادیو، تلویزیون، ماهواره و... آتچنان جامعه را محاصره کرده که ترانه‌های محلی و فولکلور که آمیخته‌ای از فرهنگ، آداب و اصالت ایران‌زمین است، می‌رود تا کم‌کم به دست فراموشی سپرده شود، اجرای قطعات زریا و لطیف محلی که با هارمونی و فرهای پیچیده‌تر در قالب گروه کر، پولیفونی (چندصدایی) به گوش می‌رسد، چنان هیجان و تحول را برای شنوندگان در پی داشت که گویی فرزندی پس از سال‌ها دوری صدای مادرش را شنیده است. اینجا است که به‌جد در می‌یابیم گویی هوای تازه بر کالبد موسیقی کشورمان مدیده شده و این حرکت را می‌توان سرآغازی برای اصلاح و بهبود اوضاع آشفته موسیقی‌های به اصطلاح پاپ و امروزی برشمرد. چرا به‌تعبیر درست، موسیقی پاپ یعنی همان موسیقی محلی و فولکلور ملت‌ها که با قالب‌های به‌جا اجرا درمی‌آید و آخرین بخش اجرای این کنسرت مصداق بود با حضور محمد نوری که آمده بود تا به قول شفقنی نژاد دسترنج بیش از نیم‌قرن تلاش و زحمات خود را به نظاره ببینند. او که تا به حال با عشق و علاقه فراوان وامدار فرهنگ و اصالت موسیقی ایران در آثار خود بوده است، کنتر به مطبوعات و رسانه‌ها لب به سخن می‌نهاد. اما آن‌ها اهتمام داشتند و با یادگار موسیقی ایران سکوت خود را بشکنند و با سخنان خود همه را غافلگیر کنند.

او در ابتدا با اشاره به اینکه چرا گروه کر اسم او را برای خود برگزیده است، به برخی سوءتفاهمات که وجود آمده و پاسخ داد که گفت: «اگر می‌بینید اسم من کنار گروه کر آمده است، نه از سوی من تظاهری بوده است نه تظاهراتی از سوی گروه کر برای کسب اشتها». او که معلوم بود با دلی سخن می‌گوید ادامه داد: «اشتهار امروزی تلاش نیاز ندارد، فقط کافی است در مسیر باد قرار بگیرید، پرواز راحت‌تر است.»

او وجود اسم خود را در کنار این گروه حق شناسی شاگردانش از استانشان یاد کرد و افزود: «اگره کر فقط خواسته است به معلم‌شان ادای دین کند. در ایران احترام به معلم قوام نام و تمامی داشته است. به‌واقع هیچ‌گاه شاگردانش نمی‌گوید که به من احترام بگذارید.» او همچنین با اشاره به شعری از ایرج میرزا ادامه داد: «همه چیز داد به من یاد استاد/ غیر یک چیز که آن هم قدر استاد نکو دانستن. استاد واقعی هیچ‌گاه به شاگردانش نمی‌گوید که شما بعد از من قرار دارید و تمامی داشته ام. شاگردانم باید بدانند که من معلم خوبی نبودم این شاگردان حق شناس، بسیار عالی هستند.» نوری در ادامه به مشکلاتی که برای برگزاری کنسرت در ایران وجود دارد اشاره می‌کند و از مسئولان که مصلحت نامرشد در ترجیح داند گروه کر و علیرضا شفقنی نژاد امر درست خود قرار دهند تشکر کرد و افزود: دیده‌اید بعضی‌ها گفتن را به وقت گفتن می‌گویند و برخی سکوت می‌کنند و همین برای ما کافی است که گروه کر سربلند محبت آقایان است، آقایان نشان دادند می‌توان قلبی داشت که تمام نیکی و خوبی‌های دنیا در آن قلب جای بگیرد. نگاهداشت نیکی و مهربانی در قلب‌ها اصالت می‌طلبد. تنفیذ و ابراز این محبت و نیکی شهامت می‌خواهد من این آقایان را به‌خاطر وجود صفات انسانی ستایش می‌کنم.

او ادامه داد: اگر ما پدیدیم موسیقی جزء فرهنگ ملت‌ها است همچنین ملت بزرگ ما، اگر این موسیقی به نغتن کشیده شود، فرهنگ موسیقی منحل خواهد شد. پس ما با نغتن در هر نوع موسیقی به‌خصوص یک نوع موسیقی پاپ که فاقد پشت و ت فکر است مخالفتی صریح داریم که می‌دانید همه اسمش به غلط افتاده و به رسمش هنری که فاقد بینش و تفکر باشد هنری متزلزل است. نوری که با لحنی بسیار جدی و صریح سخن می‌گفت افزود: من برای مبارزه با این نوع تزلزل و تخریب فرهنگی حتماً گام‌های مستحکمی می‌گذارم. اگر ما پدیدیم موسیقی جزء فرهنگ ملت‌ها است و نغتن در نغتن موسیقی منحل می‌شود، فرهنگ موسیقی منحل خواهد شد. پس ما با نغتن در هر نوع موسیقی به‌خصوص یک نوع موسیقی پاپ که فاقد پشت و ت فکر است مخالفتی صریح داریم که می‌دانید همه اسمش به غلط افتاده و به رسمش هنری که فاقد بینش و تفکر باشد هنری متزلزل است. نوری که با لحنی بسیار جدی و صریح سخن می‌گفت افزود: من برای مبارزه با این نوع تزلزل و تخریب فرهنگی حتماً گام‌های مستحکمی می‌گذارم. اگر ما پدیدیم موسیقی جزء فرهنگ ملت‌ها است و نغتن در نغتن موسیقی منحل می‌شود، فرهنگ موسیقی منحل خواهد شد. پس ما با نغتن در هر نوع موسیقی به‌خصوص یک نوع موسیقی پاپ که فاقد پشت و ت فکر است مخالفتی صریح داریم که می‌دانید همه اسمش به غلط افتاده و به رسمش هنری که فاقد بینش و تفکر باشد هنری متزلزل است. نوری که با لحنی بسیار جدی و صریح سخن می‌گفت افزود: من برای مبارزه با این نوع تزلزل و تخریب فرهنگی حتماً گام‌های مستحکمی می‌گذارم. اگر ما پدیدیم موسیقی جزء فرهنگ ملت‌ها است و نغتن در نغتن موسیقی منحل می‌شود، فرهنگ موسیقی منحل خواهد شد. پس ما با نغتن در هر نوع موسیقی به‌خصوص یک نوع موسیقی پاپ که فاقد پشت و ت فکر است مخالفتی صریح داریم که می‌دانید همه اسمش به غلط افتاده و به رسمش هنری که فاقد بینش و تفکر باشد هنری متزلزل است. نوری که با لحنی بسیار جدی و صریح سخن می‌گفت افزود: من برای مبارزه با این نوع تزلزل و تخریب فرهنگی حتماً گام‌های مستحکمی می‌گذارم. اگر ما پدیدیم موسیقی جزء فرهنگ ملت‌ها است و نغتن در نغتن موسیقی منحل می‌شود، فرهنگ موسیقی منحل خواهد شد. پس ما با نغتن در هر نوع موسیقی به‌خصوص یک نوع موسیقی پاپ که فاقد پشت و ت فکر است مخالفتی صریح داریم که می‌دانید همه اسمش به غلط افتاده و به رسمش هنری که فاقد بینش و تفکر باشد هنری متزلزل است. نوری که با لحنی بسیار جدی و صریح سخن می‌گفت افزود: من برای مبارزه با این نوع تزلزل و تخریب فرهنگی حتماً گام‌های مستحکمی می‌گذارم. اگر ما پدیدیم موسیقی جزء فرهنگ ملت‌ها است و نغتن در نغتن موسیقی منحل می‌شود، فرهنگ موسیقی منحل خواهد شد. پس ما با نغتن در هر نوع موسیقی به‌خصوص یک نوع موسیقی پاپ که فاقد پشت و ت فکر است مخالفتی صریح داریم که می‌دانید همه اسمش به غلط افتاده و به رسمش هنری که فاقد بینش و تفکر باشد هنری متزلزل است. نوری که با لحنی بسیار جدی و صریح سخن می‌گفت افزود: من برای مبارزه با این نوع تزلزل و تخریب فرهنگی حتماً گام‌های مستحکمی می‌گذارم. اگر ما پدیدیم موسیقی جزء فرهنگ ملت‌ها است و نغتن در نغتن موسیقی منحل می‌شود، فرهنگ موسیقی منحل خواهد شد. پس ما با نغتن در هر نوع موسیقی به‌خصوص یک نوع موسیقی پاپ که فاقد پشت و ت فکر است مخالفتی صریح داریم که می‌دانید همه اسمش به غلط افتاده و به رسمش هنری که فاقد بینش و تفکر باشد هنری متزلزل است. نوری که با لحنی بسیار جدی و صریح سخن می‌گفت افزود: من برای مبارزه با این نوع تزلزل و تخریب فرهنگی حتماً گام‌های مستحکمی می‌گذارم. اگر ما پدیدیم موسیقی جزء فرهنگ ملت‌ها است و نغتن در نغتن موسیقی منحل می‌شود، فرهنگ موسیقی منحل خواهد شد. پس ما با نغتن در هر نوع موسیقی به‌خصوص یک نوع موسیقی پاپ که فاقد پشت و ت فکر است مخالفتی صریح داریم که می‌دانید همه اسمش به غلط افتاده و به رسمش هنری که فاقد بینش و تفکر باشد هنری متزلزل است. نوری که با لحنی بسیار جدی و صریح سخن می‌گفت افزود: من برای مبارزه با این نوع تزلزل و تخریب فرهنگی حتماً گام‌های مستحکمی می‌گذارم. اگر ما پدیدیم موسیقی جزء فرهنگ ملت‌ها است و نغتن در نغتن موسیقی منحل می‌شود، فرهنگ موسیقی منحل خواهد شد. پس ما با نغتن در هر نوع موسیقی به‌خصوص یک نوع موسیقی پاپ که فاقد پشت و ت فکر است مخالفتی صریح داریم که می‌دانید همه اسمش به غلط افتاده و به رسمش هنری که فاقد بینش و تفکر باشد هنری متزلزل است. نوری که با لحنی بسیار جدی و صریح سخن می‌گفت افزود: من برای مبارزه با این نوع تزلزل و تخریب فرهنگی حتماً گام‌های مستحکمی می‌گذارم. اگر ما پدیدیم موسیقی جزء فرهنگ ملت‌ها است و نغتن در نغتن موسیقی منحل می‌شود، فرهنگ موسیقی منحل خواهد شد. پس ما با نغتن در هر نوع موسیقی به‌خصوص یک نوع موسیقی پاپ که فاقد پشت و ت فکر است مخالفتی صریح داریم که می‌دانید همه اسمش به غلط افتاده و به رسمش هنری که فاقد بینش و تفکر باشد هنری متزلزل است. نوری که با لحنی بسیار جدی و صریح سخن می‌گفت افزود: من برای مبارزه با این نوع تزلزل و تخریب فرهنگی حتماً گام‌های مستحکمی می‌گذارم. اگر ما پدیدیم موسیقی جزء فرهنگ ملت‌ها است و نغتن در نغتن موسیقی منحل می‌شود، فرهنگ موسیقی منحل خواهد شد. پس ما با نغتن در هر نوع موسیقی به‌خصوص یک نوع موسیقی پاپ که فاقد پشت و ت فکر است مخالفتی صریح داریم که می‌دانید همه اسمش به غلط افتاده و به رسمش هنری که فاقد بینش و تفکر باشد هنری متزلزل است. نوری که با لحنی بسیار جدی و صریح سخن می‌گفت افزود: من برای مبارزه با این نوع تزلزل و تخریب فرهنگی حتماً گام‌های مستحکمی می‌گذارم. اگر ما پدیدیم موسیقی جزء فرهنگ ملت‌ها است و نغتن در نغتن موسیقی منحل می‌شود، فرهنگ موسیقی منحل خواهد شد. پس ما با نغتن در هر نوع موسیقی به‌خصوص یک نوع موسیقی پاپ که فاقد پشت و ت فکر است مخالفتی صریح داریم که می‌دانید همه اسمش به غلط افتاده و به رسمش هنری که فاقد بینش و تفکر باشد هنری متزلزل است. نوری که با لحنی بسیار جدی و صریح سخن می‌گفت افزود: من برای مبارزه با این نوع تزلزل و تخریب فرهنگی حتماً گام‌های مستحکمی می‌گذارم. اگر ما پدیدیم موسیقی جزء فرهنگ ملت‌ها است و نغتن در نغتن موسیقی منحل می‌شود، فرهنگ موسیقی منحل خواهد شد. پس ما با نغتن در هر نوع موسیقی به‌خصوص یک نوع موسیقی پاپ که فاقد پشت و ت فکر است مخالفتی صریح داریم که می‌دانید همه اسم